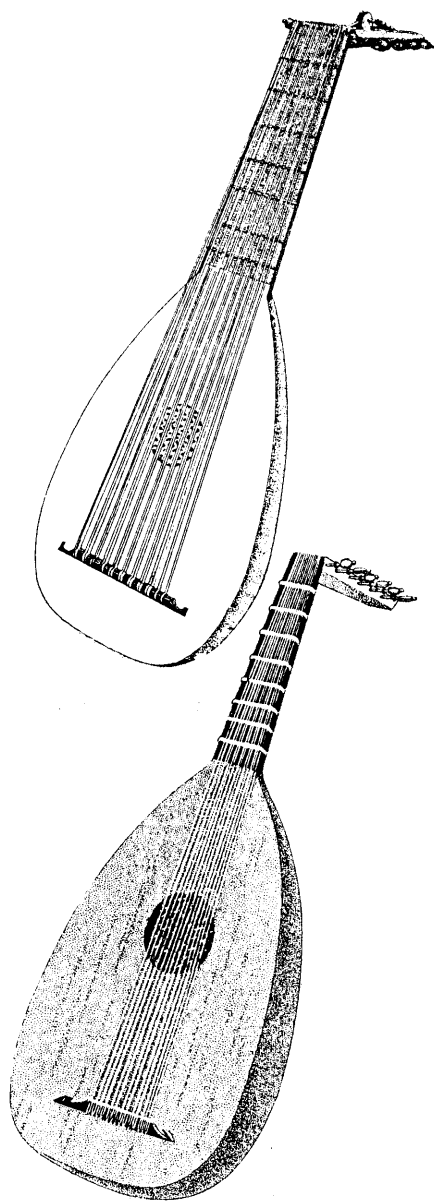
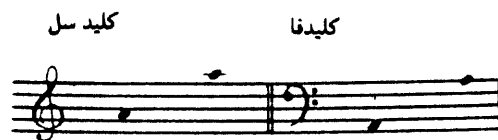




لا [Lâ]: نام یکی از هفت نت موسیقی که در موسیقی غربی آنرا با حرف A نشان میدهند. لا، ششمین نت در گام دو دیاتنیک است.



لابمل [Lâ Bemol]: صدایی معادل نیم پرده کمتر از صوت نت لا را گویند.

لابمل ماژور [Lâ Bemol Mâzor]: گام لا بمل بزرگ که در آن نت های سی، می، لا، ر، سل بمل و بقیه بکار هستند.

لاچینی، فریبرز [Fariborz Lâcini]: آهنگساز و صدا بردار برجسته، فریبرز لاچینی در سال ۱۳۲۸ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او از ده سالگی آموختن موسیقی را آغاز کرد. در این سن او به هنرستان عالی موسیقی رفت. او در ۲۱ سالگی به عنوان آهنگساز، کار حرفه ای خود را آغاز نمود. در ۲۱ سالگی در نواختن پیانو، ارگ و گیتار مهارت بسزائی داشت. با تغییر رژیم به اروپا رفت و در کشورهای سوئیس، فرانسه و اسپانیا به تحقیق و تکمیل اندوخته های هنری خود پرداخت. در سال ۱۳۶۱ با تلویزیون فرانسه همکاری خود را آغاز کرد. فریبرز لاچینی در سال ۱۳۶۴ به ایران بازگشت و جذب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شد. او برای فیلم هایی چون: مریم و مانی، نارونی، دندان مار، تیغ آفتاب، گربه آوازه خوان موزیک متن ساخته است.

آلبوم پائیز طلائی، ساخته با ارزشی از فریبرز لاچینی است، همچنین آلبوم: آواز سرزمین خورشید با صدای محمد نوری.

لاچینی، نظام الدین [Nezâm-eddin Lâcini]: هنر دوست مشهور که در بسط شهرت قمرالملوک وزیری نقش مهمی را ایفاء می کند. خانه او محل اجتماع شاعران و موسیقیدانها و مردمان اهل فضل بود. لاچینی، قمر را به امیر جاهد معرفی و ترتیب ضبط نوارهای قمر توسط کمپانی پولیفون وسیله امیر جاهد داده شد.

لارگتو [Lârgetto]: سرعت و حرکت در اجرای قطعات موسیقی را گویند. قدری سریع تر از لارگو.

آ, a A, a آدم (Adam) S, s K, k Š, š سرکش (Sarkes) J, j W, w جم (Jamw) Q, q غرق (Qarq) X, x Y, y خیام (Xayyam)
Z, z زاله (Zâle) C, c U, u چوب (Cub) V, v O, o وحدان (Vojdân) I, i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

لارگو [Lárgo]: سرعت و حرکت در اجرای قطعات موسیقی به مفهوم اجرایی خیلی آهسته و متین (با میانگینی ۴۸ در متروتم).

لاری [Lári]: از صدا برداران و صداگذاران فعال در امر موسیقی ایران که در لس آنجلس به این کار اشتغال دارد.

لاسکوی [Lásková]: مرغی خوش الحان راگویند، این واژه در بعضی از مآخذ، هم ردیف خسروانی، از الحان مشهور زمان ساسانیان ذکر شده است.

لاکمال [Lákamál]: در موسیقی فارابی به وضع استقرار نت های موسیقی در گام بصورت غیرطبیعی اطلاق میشود.

لاکو [Láku]: ترانه ای محلی در شمال ایران، خصوصاً در لاهیجان و تنکابن.

لاکوک [Lákuk]: در سازشناسی آلات موسیقی ایران به آلاتی اطلاق میشود که در آن نت لا به جای نت سل بخوانند. در سنتورهای نه (۹) خرکی، خرک اول را می (Mi) کوک می کنند. در این صورت خرک سوم، صدای سل را بیان می کند.

لاگری مندو [Lágrimendo]: از اصطلاحات غربی که از حالات درونی در اجرای یک قطعه موسیقی به معنی غم و اشک و حزن حکایت دارد.

لالایی [Lálayi]: قطعه آوازی مرسوم در بین اقوام و ملل، که بصورت ترانه ای کهن که هنگام خواباندن طفل با کلامی عامیانه و کوتاه بر زبان مادران زمزمه میشود. لالایی را معمولاً همراه با پیانو اجرا می کنند لالائی را معمولاً در مایه دشتی می خوانند. موسیقی در ترانه های لالائی، معمولاً توسط آهنگساز ساخته نشده، بلکه زائیده طبع لطیف مادران است و بهمین دلیل در اکثر این ترانه ها، یکنواختی ملودی به چشم می خورد. ترانه های لالائی گاهی بعنوان یکی از بهترین وسایل بیان افکار و اعتراض به جور و ستم جامعه خوانده میشود.

لاله خوانی [Lálexáni]: از سرودهای مشهور ترکمنی که توسط دختران بافنده خوانده شده و ساز

قپوز آن را همراهی می کند.

لاله رخ [Lâlerox]: نام یکی از ۹۷ اصطلاح موسیقی ایران که در موسیقی عرب رواج دارد.

لاله زار، کافه [Kâfe Lâlezâr]: در سالهای بعد از جنگ بالاتر از کوچه برلن، مکانی بود بنام کافه لاله زار که چای و قهوه و بستنی به مشتریان عرضه میکرد. در این کافه رضا و مرتضی محجوبی در نوجوانی، شبها برای مشتریان به سبک اروپائی نوازندگی می کردند. لیستر که بعدها در میدان تجریش اول خیابان پهلوی کافه رستوران گوشواره طلائی را دایر کرد و ساختمانی بنام لیستر داشت در احداث کافه لاله زار با عباسعلی خان ناظر شریک بوده است.

لاله زاری، احمد [Ahmad Lâlezâri]: از نوازندگان قدیمی تار و همدوره با سید محمود قراب، برادر بزرگ قاسم قراب و اسداله سرور کرمانی.

لاله زاریان، واهه [Vâhe Lâlazâryân]: شاعر و ترانه سرای ساکن لس آنجلس و از همکاران نزدیک سرژیک خواننده فعال و ساکن این شهر. انتظار و قهر و آشتی دو ترانه از سروده های این هنرمند است.

لاله زاری، هوشنگ [Hušang Lâlezâri]: از صدا برداران شاغل در تهران.

لامعی [Lâmei]: ابوالحسن محمد بن اسماعیل لامعی بکر آبادی دهستانی گرگانی، از شاعران مشهور اواسط سده پنجم هجری و از گویندگان خوش قریحه ایران است. ولادت او در سال ۴۱۲ هجری بوده است، نسخه ناقصی از اشعار او بسال ۱۲۹۵ قمری در تهران بچاپ رسید. در سال ۱۳۱۹ خورشیدی، استاد سعید نفیسی دیوان کاملی از اشعار این شاعر را انتشار داد که حاوی ۱۲۳۸ بیت است.

لاوه - لاوه، دستگاه موسیقی [Dastgâhe Musiqiye Lâve-lâve]: از دستگاه های موسیقی اهل حق که ساختار ساده این دستگاه با پیچیدگی آرایش آن تضاد دارد. این موسیقی شخصیت تالم آوری دارد.

لا هوتی، ابوالقاسم [Abolqâsem Lâhuti]: ابوالقاسم لاهوتی در سال ۱۳۰۵ هجری در کرمانشاه

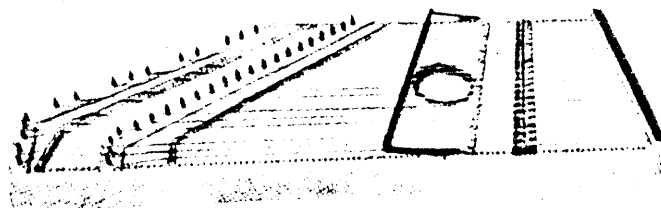
آدم (Adam) A,a A,a S,s K,k S,s سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وحدان (Vojdan) V,v O,o جوب (Cub) C,c U,u زاله (Zâle) Z,z

بدنیا آمد. پدرش که پیشه کفش دوزی داشت، او نیز شاعر و آزادیخواه بود. ابوالقاسم لاهوتی در ۱۶ سالگی به تهران آمد و اولین غزل او که لحن سلحشوری و آزادیخواهی داشت در روزنامه حبل المتین کلکته چاپ شد و تا حدی باعث شهرت شاعر جوان گردید. او در سال ۱۳۲۳ هجری در تهران شب نامه منتشر می کرد و در انقلاب مشروطیت در صف فدائیان آزادی قرار داشت.

از قوی ترین اشعار لاهوتی «لالایی مادر» است که در محرم ۱۳۲۸ هجری در روزنامه ایران نو انتشار یافت.

لبث [Labas]: به معنی نماد سکوت، در نواختن و اجرا در موسیقی قدیم ایران است.

لبینا [Labinā]: از آلات زهی که با سرانگشت نوازنده نواخته میشود. این ساز از خانواده آلات موسیقی رشته ای مطلق، از رده قانون است.



لحاظ [Lahāz]: خواننده مشهور دوران تیموریان و معاصر با صفی الدین ارموی.

لحن [Lahn]: آواز، آهنگ خوش، نغمه. لحن به معنی کشیدن صوت در سرود و نغمه نیز می آید.

لحن غیر موزون [Lahne Qeyre-Mouzun]: اگر نغمه ای ریتمیک نباشد به آن غیر موزون گویند.

لحن موزون [Lahne Mouzun]: به نغمه ریتمیک گفته میشود.

لحنی، امیر [Amir Lahni]: نوازنده تار در ارکستر فرهنگ و هنر قزوین و از همکاران هدایت اله خیرخواه، محمد وکیل ها، منصور معارفی، هادی باجلان، مسعود معارفی و جواد شجاعی.

لحنی، حسن [Hasan Lahni]: لطفاً به حسن قصاب نگاه کنید.

لرزش [Larzeš]: از تکرار نت اصلی با نت بالای خود بطور سریع و خیلی تند ایجاد میشود. نت

A,a A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)

Z,z زاله (Zale) C,c U,u چوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات های (الفای) نوین برای درست خواندن

لرزش یا تریل، هرگز با نت پائین نت اصلی آغاز نمیشود.

لرستان، موسیقی [Musiqiye Lorestán]: در لرستان، سه فرهنگ مختلف در کنار هم وجود دارند؛ لری، لکی و بختیاری. فرهنگ لکی به فرهنگ کردی نزدیک تر است تا بختیاری و همانطوریکه اشاره شد این سه فرهنگ در ارتباط نزدیک با هم میباشند. در زمینه موسیقی، موسیقی بختیاری اصالت خود را بیشتر حفظ کرده، علیرغم اینکه برخی ترانه های این موسیقی منشاء لری و لکی دارند، نظیر آهنگ مشهور دایه دایه. البته، مَرَجَنگه و شیرعلی مردون دو نغمه بختیاری است که مورد توجه لرها و لک ها واقع شده است. موسیقی لری و لکی با وجود تفاوت های قابل توجه، دارای وجوه مشترک نیز میباشند. تفاوت بین موسیقی لری و لکی در مضمون شعرها و در خصوصیات نغمه ها نهفته است.

ترانه های دایه دایه و کشکله شیرازی هر دو منشاء لری دارند، اما لک ها با اِعمال تغییرات اندکی آنها را پذیرفته اند. انتقال آهنگهای عروسی نسبت به مویه از فرهنگ لکی به لری یا بالعکس بیشتر است. لک ها، اغلب آوازهای لری را با رعایت واژه های لری و لرها، آوازهای لکی را با رعایت واژه و گویش های لکی می خوانند. اصولاً اجرای آهنگهای لری برای لک ها آسانتر است. در این داد و ستد فرهنگی، انتقال ترانه های لری به فرهنگ لکی بیشتر و انتقال آهنگهای رقص از فرهنگ لکی به لری بیشتر میباشد.

در فرهنگ لکی، هرچه به حوزه فرهنگ کردی کرمانشاهی نزدیکتر شویم، اصالت فرهنگ لکی بیشتر و هرچه به حوزه فرهنگ لری و بختیاری نزدیکتر شویم از اصالت آن کاسته میشود.

موسیقی لری و لکی طی دهه های گذشته آسیب های جبران ناپذیری را متحمل شده اند. بسیاری از آوازاها و نغمه ها فراموش شده و یا با هویتی مخدوش وجود دارند.

با فقر همه جاگیر در دو دهه اخیر، آوازاها و نغمه های چوپانان حاشیه زاگرس که مهمترین منبع موسیقی این منطقه بود، یا از میان رفت و یا بی هویت شد.

درویشان اهل حق در لرستان نیز از جایگاه ویژه ای برخوردارند. موسیقی آنان مستقیماً از موسیقی تنبور کرمانشاهان الهام گرفته است.

در موسیقی لرستان، تعدادی از نغمه ها، دارای متر آزادند، نظیر؛ علی دوستی، ساری خوانی، عزیزبگی و شیرین و خسرو. در فرهنگ بختیاری، نوازندگان موسیقی را تو شمال و در فرهنگ لری به آنها لوطی اطلاق میشود.

لرنژاد، حشمت اله [Hešmat-ollāh Lornežād]: زنده یاد حشمت اله لرنژاد، خواننده مشهور رادیو تلویزیون کرمانشاه و استاد تعلیم صدا و مقام های محلی کردی.

لری، [Lori]: از نغمه های محلی که معمولاً با دوبیتی ارائه میشوند. نغمه های لری در مایه شوشتی و دشتی بسیار دلنشین است.

لری دزفولی [Lori Dezfuli]: آهنگ لری در مایه همایون با اشعاری عامیانه و مردمی.

لزگی [Lezgi]: گوشه ای است ضربی در دستگاه چهارگاه، ماخذ از نام قبیله ای در قفقاز که اصل و ریشه از مردم داغستان دارد.

لزگی را موسیقیدانهای عهد قاجار می نواختند، نظیر، حسن سنتورخان. رقص لزگی در چهارگاه مشهور است.



لسانی شیرازی [Lesāni Širāzi]: وجیه الدین عبدالله لسانی شیرازی از شاعران نیمه نخستین سده دهم هجری و آغاز دوران صفوی است. او در شیراز بدنیا آمد، اما بیشتر در بغداد و تبریز زندگی کرد. او در سرودن ترکیب بند مهارت بسزائی داشت، هم چنین قصیده، رباعی و غزل. دیوان این شاعر حاوی هشت هزار بیت به شماره 307 or در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری میشود. سال مرگش ۹۴۲ هجری بوده و قبر او در مقبره سرخاب تبریز است.

لشگری، بزرگ [Bozorg Lašgari]: بزرگ لشگری، آهنگساز ارزنده و نوازنده چیره دست ویلن در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. ابتداء بیشتر کار هنری او به تکنوازی می گذشت تا اینکه با تشکیل ارکستر صبا با استاد ابوالحسن صبا همکاری نمود و کار آهنگسازی را با خانم دلکش آغاز کرد. او مدتها برای مرضیه، یاسمن و الهه آهنگ میساخت. بزرگ لشگری متجاوز از ۱۲۰ ساخته با خوانندگان مختلف دارد. اکبر و اصغر بهاری نوازندگان کمانچه، پسر خاله های بزرگ لشگری هستند.

او نزد استاد ابوالحسن صبا، چهار سال ویلن را آموخت و مدتها نزد استاد روح اله خالقی و آبراهمیان، تعلیم ویلن دید و همانطوریکه اشاره شد در سال ۱۳۳۱ بعلت اختلاف بین مهدی خالدی و دلکش، او برای دلکش آهنگ ساخت. بزرگ لشگری آهنگساز برنامه گلهای رادیو ایران نیز بود. بزرگ لشگری موسیقی را از ۱۵ سالگی آغاز نمود. ویلن را مادرش به او تعلیم داد. او در سال ۱۳۲۴ بعنوان سولیست ویلن در روزهای جمعه با رادیو ایران همکاری داشت.

بزرگ لشگری بمدت ۴۱ سال خدمات شایانی به موسیقی ایران نموده است.

لشگری، جواد [Javād Lašgari]: نوازنده چیره دست ویلن و آهنگساز برنامه گلهای رادیو ایران در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. اولین استاد او ابوالحسن صبا است و بعد از صبا، به شاگردی استاد مهدی خالدی در می آید. او ردیف های موسیقی را نزد احمد فروتن راد می آموزد و در سال ۱۳۲۵ همکاری خود را با بزرگ لشگری (پسر دایی خودش) آغاز می کند و ارکستری تشکیل که در رادیو به فعالیت می پردازند.

اولین آهنگی را که جواد لشگری ساخت «فتنه» نام داشت که شعر آن را رهی معیری سروده بود. اختلاف بین جواد و بزرگ لشگری باعث میشود که آنها جداگانه فعالیت کنند ولی رهبری ارکستر لشگری تا سال ۱۳۳۵ به عهده او بود.

جواد لشگری بمدت ۳۰ سال با رادیو ایران همکاری داشت. او در سال ۱۳۴۷ با برنامه گلهای همکاری خود را آغاز نمود. در کارنامه هنری جواد لشگری بالغ بر ۳۵۰ آهنگ وجود دارد. همسر جواد لشگری، عطیه حنانه، خواهر زنده یاد استاد مرتضی حنانه است.

در زیر به برخی از ساخته های جواد لشگری اشاره میشود: ابر پائیز با اجرای خانم سیمین غانم. رویای شیرین با اجرای خانم دلکش. آتش تب با اجرای خانم شکوه رضائی. عمر بی حاصل، رقص مشتری، با خیال تو، قایقران با اجرای دلکش.

لشگری، حسن [Hasan Lašgari]: زنده یاد حسن لشگری در سال ۱۳۱۷ خورشیدی در تهران در خانواده ای هنرمند بدنیا آمد. او از ده سالگی فراگیری نت و نواختن سنتور را نزد برادرش منوچهر لشگری آغاز کرد و بعدها برای یادگیری ویلن، آکوردئون، پیانو و ارگ اقدام و در نواختن آنها مهارت پیدا نمود. حسن لشگری سالها با رادیو ایران همکاری داشت و آهنگهای ماندگاری چون: تنها با گلهای، کبوتر حرم، آدما، چشمان تو و صیاد را ساخت. حسن لشگری در سال ۱۳۵۴ بر اثر ابتلاء به سرطان معده چشم از جهان فرو بست.

لشگری، حسین [Hoseyn Lašgari]: از آهنگسازان و نوازندگان مشهور قدیمی و از خانواده هنرمند لشگری است.

لشگری، شرکت بازرگانی [Šerkate Bāzargāni Lašgari]: نماینده فروش پیانوهای یاماها در تهران، خیابان ولی عصر روبروی پارک ملت. ساختمان یاماها.

لشگری، شعله [Šowle Lašgari]: از فارغ التحصیلان رشته کارشناس موسیقی ملی از هنرکده موسیقی ملی در خرداد ماه ۱۳۵۹ دوره پنجم.

لشگری، علی اصغر [Ali Asqar Lašgari]: نوازنده چیره دست تار و پدر هنرمندان گرانقدر: منوچهر، حسن، محمد، و حسین لشگری است.

لشگری، محمد [Mohammad Lašgari]: از برادران هنرمند لشگری است که در سال ۱۳۰۷ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او از کودکی به نواختن ضرب علاقه داشت و هرگاه که پدرش تار مینواخت، ساز پدر را با قابلمه یا سلطل همراهی می کرد. او بعدها به کلاس استاد عبدالله جهان پناه رفت و نزد زنده یاد مصطفی قراب، مشغول فراگیری اصولی ضرب شد. او همراه با دو برادر دیگرش؛ منوچهر و حسن تشکیل ارکستری را دادند بنام ارکستر برادران لشگری که برنامه های خود را از رادیو نیروی هوایی اجرا می کردند. محمد لشگری در سال ۱۳۳۳ به رادیو رفت. او در سال ۱۳۳۷ با همکاری برادرانش، کلاس موسیقی برادران لشگری را در سه راه امین حضور تأسیس کرد. او با بسیاری از آلات ضربی نظیر: جاز، تمپانی آشنا است.

لشگری، منوچهر [Manucehr Lašgari]: منوچهر لشگری در بیستم اسفند ماه ۱۳۱۴ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او از ده سالگی نواختن نی لبک و فلوت را آغاز کرد. در ۱۲ سالگی نزد دائی هنرمندش؛ جواد لشگری فراگیری ویلن را آغاز نمود. و پس از مدت کوتاهی به یادگیری کمانچه، سنتور و سه تار پرداخت.

او از سال ۱۳۳۳ بعنوان نوازنده فلوت در ارکسترهای: ابراهیم خان منصوری و مرتضی محجوبی آغاز به کار کرد. او از سال ۱۳۴۰ شروع به آهنگسازی نمود و اولین آهنگ او: آتش جاویدان، با صدای زنده یاد بنان بود. از آهنگهای مشهور دیگر او میتوان به: در می خونه بسته با صدای الهه، در می زند آتشم زد با صدای مرضیه و چشمام با صدای کورس سرهنگ زاده اشاره داشت. از این هنرمند، کتاب؛ ردیف های آوازهای ایرانی برای ویلن، فلوت چاپ و منتشر شده است.

لشگری، نصرت اله [Nosrat-ollāh Lašgari]: نوازنده تار و برادر هنرمند گرانقدر جواد لشگری است. نصرت اله لشگری علاوه بر نواختن تار، از صدای زیبایی هم برخوردار است.

لطفاله اصفهانی [Lotfollāh Esfehāni]: از روضه خوانهای خوش آواز قدیمی که دسته عزاداری بنام: دسته بنفشه را اداره می‌کرد. او هم‌دوره با تاج الواعظین (حاج تاج نیشابوری) و شیخ علی زرگر بود.

لطفاله نیشابوری [Lotfollāh Nišāburi]: مولانا لطفاله نیشابوری از شاعران سده هشتم و اوایل سده نهم هجری است که با عمر طولانی خود، پایان عهد ایلخانان و دوران طغای تیموریان، آل کرت و سربداران را در خراسان دیده است. سال وفات او ۸۱۶ می‌باشد. دیوان این شاعر حاوی چهار هزار بیت است. او از قصیده سرایان بزرگ خراسان است.

لطفعلی، علی [Ali Lotfali]: از صدا برداران و صداگذاران فعال در تهران.

لطفی، ابراهیم [Ebrāhim Lotfi]: ابراهیم لطفی در سال ۱۳۴۵ در تهران بدنیا آمد. در کلاس چهارم ابتدائی به هنرستان عالی موسیقی رفت. با انحلال هنرستان عالی موسیقی بدستور روح اله خمینی، او دیپلم خود را در رشته اقتصاد دریافت کرد. او از ۱۵ سالگی کار خود را بعنوان نوازنده ویلن آغاز و در حال حاضر دانشجوی موسیقی در دانشگاه هنر است و با ارکستر رادیو و تلویزیون دولتی تهران همکاری دارد.

لطفی، پانته آ [Pānteā Lotfi]: نوازنده پیانو در کانون موسیقی چنگ تهران.

لطفی، حسین [Hoseyn Lotfi]: از فارغ‌التحصیلان (دیپلمه‌های) مدرسه موزیک در دوره اول. داود نجمی و حسین نعیمیان دو تن دیگر از فارغ‌التحصیلان این دوره بودند. مدرسه موزیک در سال ۱۲۹۷، بخشی از شعبه موزیک دارالفنون بود. سالار معزز استاد برجسته این مدرسه بود. مدرسه موزیک تا سال ۱۳۰۷ بهمین نام باقی ماند و بعد به مدرسه موسیقی دولتی، مدرسه موسیقار و سپس هنرستان موسیقی و در نهایت به هنرستان عالی موسیقی تغییر نام داد.

لطفی، شریف [Šarīf Lotfi]: نوازنده و استاد تعلیم ویلن که در تهران فعالیت دارد. شریف لطفی، در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۲۹ خورشیدی در رشت بدنیا آمد. او در جوانی به تهران آمد و به هنرستان عالی موسیقی رفت و پس از فراغت از تحصیل، بعنوان نوازنده هورن در ارکستر سنفونیک تهران آغاز بکار کرد.

A,a A,a آدم (Ādam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
Z,z زاله (Zāle) C,c U,u جوب (Cub) V,v O,o وحدان (Vojdan) I,i ایران (Iran) وات‌های (الفای) نوین برای درست خواندن

او رشته آهنگسازی را در هنرستان عالی موسیقی، تحت نظر استاد حنا و استاد حسین ناصحی فراگرفت و بعدها به آلمان رفت و در رشته آهنگسازی موفق به دریافت مدرک از آکادمی موسیقی هاننبرگ گردید. او در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و به استخدام هنرستان عالی موسیقی درآمد که پس از چندی به تعطیل کشیده شد.

موزیک متن فیلم های زیر از ساخته های این هنرمند است: مادیان ساخته علی ژکان با شرکت سوسن تسلیمی در سال ۱۳۶۴. سامان ساخته احمد نیک آذر در سال ۱۳۶۵ و کناربرکه ها ساخته یداله نوعصری در سال ۱۳۶۵.

این هنرمند در حال حاضر عضو هیئت علمی، مدیر گروه موسیقی و معاون پژوهشی دانشگاه هنر است.

لطفی، محمد رضا [Mohammad Reza Lotfi]: محمد رضا لطفی در سال ۱۳۲۵ خورشیدی در گرگان بدنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات به تهران آمد و در هنرستان شبانه موسیقی ملی بمدت ۵ سال به شاگردی استاد حبیب اله صالحی و استاد علی اکبر شهنازی درآمد. او مدتها در ارکستر صبا بعنوان نوازنده تار که زیر نظر حسین دهلوی اداره میشد به فعالیت پرداخت. او سالها از مکتب استاد عبدالله دوامی سود جست.

لطفی، پس از اتمام خدمت نظام وظیفه به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و از علم استاد هائی چون؛ نورعلی خان برومند و محمد تقی مسعودیه بهره ها برد. در این دانشکده، استاد او؛ سعید هرمزی بود که به او سه تار آموخت. او در سال ۱۳۵۳ با عنوان عضو هیئت علمی در استخدام دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا درآمد و در همین زمان، گروه موسیقی شیدا را تشکیل داد. پس از تغییر رژیم، به همت او گروه شیدا و عارف، کانون هنری و فرهنگی چاووش و سپس هنرستان آزاد چاووش تشکیل و تأسیس شد.

از آثار محمد رضا لطفی میتوان به: بمیرید بمیرید، در این عشق بمیرید و سحر کی دمد با صدای مرضیه. ماندگان و رفتگان با صدای شجریان و ای ز بهار تازه تر با صدای محمد گلریز برادر اکبر کلپایگانی میتوان اشاره داشت

در زمینه ساخت موزیک متن فیلم، میتوان به فیلم: حاجی واشنگتن ساخته زنده یاد علی حاتمی با شرکت عزت اله انتظامی اشاره داشت.

لُطی [Loti]: رقص ویژه مراسم عروسی در بلوچستان که رقصان در اطراف نوازنده دهل و سورنا حلقه زده و چوبهائی را که به دست دارند بهم می‌کوبند.

لطیف پور، هوشنگ [Hušang Latif-pur]: گوینده پُرقدردت قدیمی که شهرت بسیاری در امر گویندگی سریالهای آموزشی «رازپقاء» در ایران پیدا نمود.
هوشنگ لطیف پور در امر صدا برداری و صداگذاری فیلم از چهره های مشهور بوده و سالها سرپرستی و مدیریت استودیو سایه تهران را به عهده داشت.

لطیفیان، حمید [Hamid Latifiyân]: حمید لطیفیان در سال ۱۳۴۰ خورشیدی در بروجرد بدنیا آمد.
او از سال ۱۳۶۷ ساختن تار را آغاز نمود و اینک از سازندگان آلات موسیقی در بروجرد است.

لقاء، محمد علی (مسعود) [Mohammad Ali Laqâw]: محمد علی لقاء در سال ۱۳۲۱ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در کودکی علیرغم کشش بسیار به موسیقی، با مخالفت پدر مواجه شد. او چون نمی توانست سازهای بزرگی چون سنتور و کمانچه را که مورد علاقه اش بود دور از چشم پدر بنوازد، به نی لبک روی آورد. شنیدن صدای نی لبک او، پدرش را باموسیقی آشتی داد، و باعث شد که او در یکی از کلاس های آزاد موسیقی ثبت نام کند.
او در چهارده سالگی، ساز فلوت را زیر نظر عباس خوشدل فراگرفت. سپس به مدت ۵ سال در دانشکده هنرهای زیبا زیر نظر توماس کریستیان داوید به فراگیری این ساز پرداخت.
او در حال حاضر در هنرستان سرود و آهنگهای انقلابی و هم چنین در ارکستر سنفونی تهران فعالیت دارد.

لقمه [Loqme]: اصطلاحی است در سازسازی. لقمه، قطعه چوبی است با حداقل حجم و بدون زاویه که جهت استحکام بیشتر در داخل کاسه های سه تار و پشت سیم گیر چسبانیده میشود.

لگاتو [Logâto]: در موسیقی به معنی پیوسته، متصل و روان است.

لله وا [Lalehvâ]: به نی چوپانی در موسیقی مازندرانی اطلاق میشود.

لنتو [Lento]: به معنی تعیین کننده وزن موسیقی آهسته و کند است.

لنگ حموم حسنی [Long Hamum Hasani]: از ترانه های فولکلوریک که حکایت از فقر و

A,â A,a آدم (Adam) S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyâm)
وات های (الفای) نوبن برای درست خواندن ایران (Iran) I,i وودان (Voddân) V,v O,o چوب (Cub) C,c U,u Z,ž زاله (Zâle)

نداری و محرومیت های اجتماعی می کند.

لنگر مضراب [Langar Mezrab]: از ویژگی های مضراب سنتور، یکی هم، لنگردار بودن آن است.

لنگ فاخته [Lang Fāxte]: از ۹۷ اصطلاح موسیقی ایرانی که در موسیقی عرب رواج دارد.

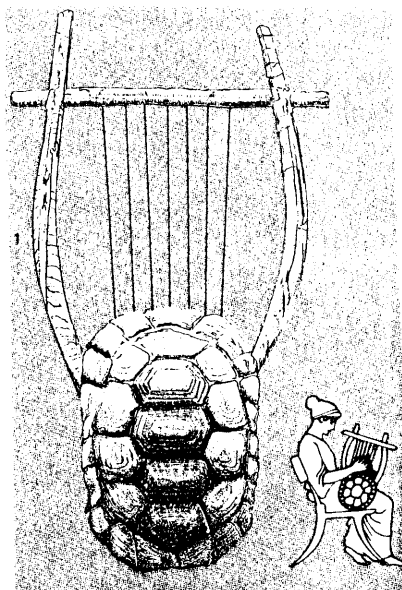
لوبا، مادام [Mādām Lubā]: معلم پیانو در مدرسه عالی موسیقی تبریز در سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ میلادی.

لوت [Lut]: نام غربی عود، سازی رشته ای مقید است.

لوت لوت [Lut lut]: آهنگی ویژه ساریانان راه کویر که بهنگام آب خوردن شترها می خوانند. راه بردن شتر در کویر آهنگ و ضرب خاصی دارد که حیوان را از راه طولانی و بدون آبی که در پیش دارد آگاهی میدهد.

لور [Lur]: سازی چنگ مانند از واژه ای یونانی که ۵ سیم داشته و شباهت به رباب دارد. این ساز رشته ای مطلق است.

نام دیگر این ساز لیر (Lir) میباشد. محفظه طنینی آن از لاک خشک شده لاک پشت، تشکیل یافته که دوبازو یک قید داشته که حکم سیم گیر ساز است.



آدم (Ādam) A,ā A,ā S,s K,k Š,š سرکش (Sarkes) J,j W,w جمع (Jamw) Q,q غرق (Qarq) X,x Y,y خیام (Xayyam)
وات های (الفای) نوین برای درست خواندن Iran) ایران I,i (Vojdan) وحدان V,v O,o (Cub) جوب U,u C,c (Zāle) زاله Z,ž

لوری [Luri]: سرود گو و گدای خواننده دوره گرد در هند که به کاولی مشهورند و در ایران با حذف الف، کولی خواننده میشوند.

لوطی ها [Lutihā]: در برخی از فرهنگها نظیر: فرهنگ لری و فرهنگ شمال خراسان به نوازندگان موسیقی، لوطی خطاب میشود.

در خراسان، لوطی ها پیام رسانان جامعه خود بوده اند. ساز آنها تنها یک دایره بوده است. آنها پیوسته در سفر و ناقدان خبر و رویدادها بودند. لوطی ها، یکی از قالب های موسیقی گردی را بسته به محتوای شعر انتخاب می کردند. آنها ممکن بود که آهنگ رقص هم بخوانند و بنوازند. متأسفانه در حال حاضر نسل لوطی ها در شمال خراسان از بین رفته است.

لوگری [Lavkari]: ابوالحسن غزوانی لوگری از لوگر نزدیک مرو از شاعرهای نیمه دوم سده چهارم هجری است. او در قصیده سرائی استادی چیره دست بوده است.

لوکولوس (کاباره) [Lukulus]: کاباره لوکولوس با سالن زمستانی و تابستانی در شاه آباد مخبرالدوله محلی برای هنرنمایی خوانندگان مردمی بود.

لومر، آلفرد ژان باتیست [Alfred Zàn Bâtist Lomer]: استاد فرانسوی موزیک مدرسه دارالفنون بود. پیش از لومر، بوسکه Bousquet رئیس دسته موزیک دربار و معاون ایشان رویون Rouillon بود.

تاریخ ورود لومر به ایران و اشتغال او به تدریس در دارالفنون سال ۱۸۶۵ میلادی است. هنرجویان کلاس لومر، نت نویسی را از او آموختند. یکی از بهترین شاگردان لومر غلامرضا خان، ملقب به سالار معزز است که بعدها معاون او میشود.

از دیگر شاگردان معروف لومر، حسین خان هنگ آفرین بود که رئیس دسته موزیک قزاقخانه بود. و هم چنین سلیمان خان که قره نی میزد. در دوره ناصرالدین شاه، لومر سمت موزیکانچی باشی داشت. در زمان مظفرالدین شاه نیز، لومر چند آهنگ ایرانی برای پیانو نوشت که در پاریس چاپ شد.

دعوت لومر به ایران توسط حسن علی خان گروسی (امیر نظام) صورت پذیرفت. در آن زمان لومر، معاون هنگ اول گارد پرند ارتش فرانسه بود. او در سال ۱۲۴۹ خورشیدی، رسماً شعبه موزیک نظام را تأسیس نمود. او علاوه بر مدیریت، تمام سازهای بادی، پیانو و سلفژ و هارمونی و ارکستراسیون نظامی را شخصاً

آموزش میداد.

لومر در سال ۱۲۸۸ خورشیدی در تهران چشم از جهان فرو بست.

لهجات سکندر شاهی [Lahajāt Sekandar-Šāhi]: از کهن ترین رساله های فارسی در موسیقی هندی در هفت باب است. نویسنده آن یحیی کابلی در سده های نهم و دهم هجری زندگی میکرده است.

لهراسبی، علی [Ali Lohrásbi]: نوازنده ضرب در بروجرد و پسر هنرمند گرانقدر محمد لهراسبی.

لهراسبی، محمد [Mohammad Lohrásbi]: محمد لهراسبی در سال ۱۳۱۷ خورشیدی در بروجرد بدنیا آمد. در جوانی با شنیدن ساز هنرمند گرانقدر حشمت اله جودکی به موسیقی روی نمود. او در کنار نواختن ویلن، شعر نیز میگوید.

لیان، گروه موسیقی [Gruhe Musiqiye Liyān]: گروه موسیقی لیان متشکل از خسرو انصاری؛ خواننده گروه، مهشید میرزاده نوازنده سنتور، پیرایه پورآفر نوازنده تار و هومان پور مهدی نوازنده دف و تنبک. بیشتر فعالیت این گروه در آمریکاست.

لی اویی [Li Ui]: موسیقیدان بزرگ ایرانی در دربار امپراطور چین مینگ هوانگ Ming Huang در سال ۷۳۳ میلادی.

لیکو [Liku]: از مهمترین آوازهای منطقه سرحدی بلوچستان.

لیلی [Leyli]: نام پرده ای در موسیقی قدیم ایران است.

لیلی خانم [Leyli Xānom]: خاله دکتر حسن فرشاد که در خوانندگی و نواختن کمانچه مهارت داشت و پدر حسن فرشاد؛ ابوالقاسم خان را که بعدها در رسته موزیک ارتش خدمت میکرد تعلیم داد.

لیلی لیلی [Leyli Leyli]: آهنگی مردمی در موسیقی اهل حق با نغمه کوتاه موزون در $\frac{6}{8}$ روی یک تندای تند در دستگاه سحری.

لیلی و مجنون [Leyli va Majnun]: گوشه ای است در دستگاه های راست پنجگاه و همایون.

لیلی و مجنون



لیما [Limā]: از فواصل موسیقی قدیم ایران به مفهوم باقیمانده و از این جهت به آن بقیه هم گویند.